

ایرانی‌ها چگونه باید حقانیت‌شان در جنگ با رژیم صهیونیستی را برای مردم جهان جا بیندازند؟

پژواک صدای حقانیت ما

۸ صفحه



دوشنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۴ | ۱۸ محرم ۱۴۴۷ | ۱۴ جولای ۲۰۲۵ | سال هفدهم | شماره ۴۶۳ | ۸ صفحه | ۱۰۰۰۰ تومان

تیتیر های امر وز



درباره بیانیه جدید موسوی چه کسانی با دادن گرای خیابان برای جنگ تحمیلی ۱۲ روزه بستر سازی کردند؟

هم‌نوا با نتانیا‌هو

بیانیه‌نویس‌ها از مردم ترسیده‌اند

۲ صفحه یک‌وز

رئیس سازمان نظام پرستاری در گفت‌وگو با «وطن امروز»: «۱۰۰۰ پرستار جوان در جنگ ۱۲ روزه برای خدمت داوطلبانه اعلام آمادگی کردند

نسل‌نو وظیفه‌شناس

۲ صفحه ۲

حمله مجدد ایلان ماسک

به ترامپ درباره پرونده جفری اپستین

معمای

جزیره فساد

۷ صفحه ۲

گزارش «وطن امروز» از کاهش نرخ بیکاری در ۳ ماه نخست ۱۴۰۴

بهار بازار کار

۳ صفحه ۲

بیانیه‌نویس‌ها

از مردم تر سیده‌اند

نگاه

امیرعباس نوری

۱- جامعه ایرانی در خلال جنگ ۱۲ روزه و پس از آن، با تمام وجود متوجه شد شعارهایی نظیر «نه غزه، نه لبنان» یا «سوریه را رها کن، فکری به حال ما کن» برساخت نظریه‌ها و دیدگاه‌هایی است که خلاف امنیت ملی و تمامیت ارضی ایران است و از آنجا که امنیت، زمینه و بستر توسعه است، جامعه، نگرش‌های انتقادآمیز نسبت به این سیاست‌های جمهوری اسلامی را فاقد صلاحیت و اعتبار لازم برای توسعه و پیشرفت ارزیابی می‌کند.

بدون تعارف باید این واقعیت را گفت که این خودآگاهی جمعی و موج همبستگی ملی و انسجام اجتماعی به وجود آمده در پی تجاوز رژیم صهیونیستی و آمریکا به ایران، برای برخی دیدگاه‌های سیاسی در ایران به نوعی زنگ خطر محسوب می‌شود؛ چرا؟ این دیدگاه‌ها معتقدند در این جنگ، مبانی فکری نظام در حیطه مسائل دفاعی و امنیتی؛ همچنین سیاست خارجی، خاصه سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی نزد افکار عمومی موجّه و معتبر و حتی حفظ و تقویت این سیاست‌ها و راهبردها تبدیل به مطالبه اکثریت جامعه شده است.

از همین رو، مبانی فکری جریان‌های منتقد این سیاست‌ها به محاق رفته، این دیدگاه‌ها دچار بحران اعتبار اجتماعی و هدم هویتی شده‌اند. به عبارتی جریان‌های سیاسی‌ای که طی سال‌های اخیر همواره منتقد استراتژی دفاعی و بازدارندگی و نیز سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی بوده‌اند، درصدد انحراف این همبستگی ملی و باورهای عمومی نسبت به مؤلفه‌های امنیت پایدار هستند.

۲- بیانیه میر حسین موسوی را باید در امتداد بیانیه ۱۸۰ فعال سیاسی و اقتصادی و همین‌طور بیانیه جبهه اصلاحات علیه قانون تعلیق همکاری با آژانس ارزیابی کرد. البته موسوی به خاطر رسوب دیدگاه‌های رادیکال به جا مانده از فتنه ۸۸ و به سبک بیانیه‌های سال‌های ۸۸ و ۸۹، به طرز آگزجره‌ای رو به ساختارشکنی آورده است. با این حال، بیانیه موسوی، نامه جبهه اصلاحات و بیانیه آن ۱۸۰ نفر، در یک چیز مشترک است: نقد سیاست‌های جمهوری اسلامی و ضرورت تغییر این سیاست‌ها!

ادامه در صفحه ۲

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR



۱۲۰ سال و ۳۲۵ روز گذشت |



ساخت از نو

تمرینات پرسپولیس در اردوی ترکیه و تغییرات مدنظر هاشمیان

۴ صفحه

VATAN-E-EMROOZ | VOL.17 | NO.4363 | MON,JUL.14, 2025 | ISSN:2008-2886

فان پالیسی: رفتارهای دولت ترامپ پیامی روشن به جهان ارسال می‌کند:

ایالات متحده دیگر شریکی قابل اعتماد نیست

رسوای جهان



تاوسیگ، پژوهشگر ارشد شورای آنلانتیک، خاطرنشان کرد ورود دوباره ترامپ به کاخ سفید «دوران جدیدی برای روابط فراآتلانتیکی» را آغاز کرده است؛ دورانی که در آن اروپایی‌ها نمی‌توانند به طور کامل به ایالات متحده اعتماد یا بر آن تکیه کنند. این بی‌اعتمادی ممکن است برخی کشورها را به سمت چین سوق دهد. در حالی که آمریکا با تصمیمات غیرقابل پیش‌بینی خود شرکایش را ناامید می‌کند، چین به عنوان قدرتی باثبات‌تر و قابل پیش‌بینی‌تر ظاهر شده است. کشورهایی که احساس می‌کنند نمی‌توانند به حمایت آمریکا اعتماد کنند، ممکن است به دنبال تقویت روابط اقتصادی و حتی نظامی با یکن باشند. علاوه بر این، برخی کشورها ممکن است به این نتیجه برسند که برای تضمین امنیت خود باید به سمت توسعه تسلیحات هسته‌ای حرکت کنند. این سناریو، بویژه برای کشورهایی مانند کره‌جنوبی یا ژاپن که با تهدیدات منطقه‌ای مواجهند، محتمل است. در نهایت، رفتارهای دولت ترامپ پیامی روشن به جهان ارسال می‌کند: ایالات متحده دیگر شریکی قابل اعتماد نیست، تصمیم‌گیری‌های متناقض بی‌توجهی به تعهدات قبل و اولویت دادن به منافع کوتاه‌مدت آمریکا بر روابط بلندمدت، اعتماد شرکای واشنگتن را بشدت تضعیف کرده‌است. به گزارش فارن پالیسی، این وضعیت نه‌تنها به روابط دوجانبه با کشورهایی مانند اوکراین، کانادا و دالمارک آسیب زده، بلکه اتحادهای چندجانبه مانند ناتو و اوکاس را نیز در معرض خطر قرار داده است. اگر این روند ادامه یابد، جهان ممکن است شاهد چرخش استراتژیک کشورهای بیشتری به سمت چین یا پیگیری خودکفایی نظامی باشد. این تحولات نه‌تنها برای شرکای آمریکا، بلکه برای جایگاه جهانی واشنگتن نیز چالش‌هایی جدی به‌همراه خواهد داشت.

از کاهش اعتماد به آمریکا دیده می‌شود. به گزارش فارن پالیسی، البریج کولبی، معاون وزیر دفاع در امور سیاست‌گذاری که به عنوان یک «تندرو در برابر چین» شناخته می‌شود، اخیراً بازنگری در پیمان اوکاس (توافق بین آمریکا، بریتانیا و استرالیا برای کمک به آمریکا از منابع معدنی اوکراین و پذیرش پیشنهاد آتش‌بس واشنگتن که البته توسط پوتین نادیده گرفته شد. با این حال، این تلاش‌ها بی‌نتیجه ماند و توقف ارسال تسلیحات نشان داد حتی عمل به خواسته‌های آمریکا تضمینی برای حمایت واشنگتن نیست. این موضوع درس بزرگی برای سایر شرکای آمریکا، از جمله تایوان، اسرائیل و اروپا به همراه داشته است. به گزارش فارن پالیسی، الکساندر کرایف، کارشناس سیاست خارجی اوکراین، در پستی فیس‌بوکی نوشت: اوکراین «همه چیز را همان‌طور که آمریکایی‌ها می‌خواستند» انجام داد اما باز هم با تغییر ناگهانی سیاست واشنگتن مواجه شد. وی این را «درس بسیار خوبی» برای همه کسانی دانست که ترامپ را «شریک و دوست» خود می‌پندارند.

این بی‌اعتمادی فراتر از اروپا نیز گسترش یافته است. کناسادا، از وفادارترین متحدان آمریکا در قرن گذشته، با اظهارات تهاجمی کاخ سفید درباره استقلال خود مواجه شده است. دانمارک که در طول جنگ در غرب آسیا کنار آمریکا ایستاد، با تهدیدات غیرمستقیم درباره الحاق گرینلند روبه‌رو است. فارن پالیسی می‌نویسد: رئیس‌جمهور آمریکا حتی اشاره کرده ممکن است برای تصرف گرینلند نیروی نظامی اعزام کند؛ اگر کپنهاگ این قلمرو را واگذار نکند. چنین اظهاراتی برای اعضای یک اتحاد دفاعی که قرار است از یکدیگر حفاظت کنند، عجیب و نگران‌کننده است.

مواجه شده‌اند. به گزارش فارن پالیسی، توری

پاسخ به این تعهدات یک روز «بله» و روز دیگر «نه» باشد، عملاً اتحادی وجود نخواهد داشت. فارن پالیسی گزارش می‌دهد اوکراین تحت فشار کاخ سفید اقداماتی برای جلب رضایت ترامپ انجام داده آمریکا از منابع معدنی اوکراین و پذیرش پیشنهاد آتش‌بس واشنگتن که البته توسط پوتین نادیده گرفته شد. با این حال، این تلاش‌ها بی‌نتیجه ماند و توقف ارسال تسلیحات نشان داد حتی عمل به خواسته‌های آمریکا تضمینی برای حمایت واشنگتن نیست. این موضوع درس بزرگی برای سایر شرکای آمریکا، از جمله تایوان، اسرائیل و اروپا به همراه داشته است. به گزارش فارن پالیسی، الکساندر کرایف، کارشناس سیاست خارجی اوکراین، در پستی فیس‌بوکی نوشت: اوکراین «همه چیز را همان‌طور که آمریکایی‌ها می‌خواستند» انجام داد اما باز هم با تغییر ناگهانی سیاست واشنگتن مواجه شد. وی این را «درس بسیار خوبی» برای همه کسانی دانست که ترامپ را «شریک و دوست» خود می‌پندارند.

این بی‌اعتمادی فراتر از اروپا نیز گسترش یافته است. کناسادا، از وفادارترین متحدان آمریکا در قرن گذشته، با اظهارات تهاجمی کاخ سفید درباره استقلال خود مواجه شده است. دانمارک که در طول جنگ در غرب آسیا کنار آمریکا ایستاد، با تهدیدات غیرمستقیم درباره الحاق گرینلند روبه‌رو است. فارن پالیسی می‌نویسد: رئیس‌جمهور آمریکا حتی اشاره کرده ممکن است برای تصرف گرینلند نیروی نظامی اعزام کند؛ اگر کپنهاگ این قلمرو را واگذار نکند. چنین اظهاراتی برای اعضای یک اتحاد دفاعی که قرار است از یکدیگر حفاظت کنند، عجیب و نگران‌کننده است.

در حوزه آسیا – اقیانوسیه نیز نشانه‌های مشابهی

فارن پالیسی گزارش می‌دهد توقف ارسال تسلیحات زمانی رخ داد که روسیه حملات هوایی خود به شهرهای اوکراین را تشدید کرده بود. ۴ ژوئیه، پس از گفت‌وگوی تلفنی ترامپ با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، این کشور بزرگ‌ترین حمله هوایی خود از آغاز جنگ را با صدها پهپاد و موشک علیه شهرهای اوکراین انجام داد. این حملات ۸ ساعت به طول انجامید و خسارات سنگینی به بار آورد. فارن پالیسی می‌نویسد ترامپ از اقدامات پوتین «بسیار ناامید» شده اما این اظهارات نتوانست اعتماد از دست رفته را بازگرداند. در واقع، تصمیم‌گیری‌های متناقض، مانند اعلام ناگهانی از سرگیری احتمالی ارسال تسلیحات دفاعی، تنها به سردرگمی شرکا دامن زده است. سؤال این است: آیا اوکراین می‌تواند به وعده‌های ترامپ اعتماد کند؟ به گزارش فارن

پالیسی، حتی خود ترامپ ظاهراً از تصمیم پنتاگون برای توقف کمک‌ها بی‌اطلاع بود که این موضوع سؤالاتی را درباره مدیریت سیاست خارجی آمریکا در قبال روسیه و اوکراین ایجاد می‌کند. این رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی تنها به اوکراین محدود نمی‌شود. متحدان ناتو در اروپا نیز شاهد نشانه‌های نگران‌کننده‌ای از غیرقابل اعتماد بودن آمریکا هستند. به گزارش فارن پالیسی، ماه مارس، دولت ترامپ به طور ناگهانی جریان اطلاعات حیاتی به کی‌یف را متوقف کرد، ظاهراً به دلیل نارضایتی از دیدار کاخ سفید که طی آن زلنسکی به دلیل «انسپاسی» و حتی نحوه لباس پوشیدنش پنتاگون اعلام کرد ارسال تمام موشک‌های پاتریوت، موشک‌های ضدهوایی استینگر، گلوله‌های توپخانه و موشک‌های اسپارو به اوکراین متوقف شده است. این تصمیم در حالی که بسیاری از این تسلیحات در انبارهای لهستان آماده‌انتقال به اوکراین بودند، شرکای آمریکا را شوکه کرد.



ترجمه

حسین مهدی‌تبار

رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی و تصمیم‌گیری‌های متناقض دونالد ترامپ در دور دوم ریاست‌جمهوری‌اش، اعتماد شرکای سنتی آمریکا را بشدت متزلزل کرده است. این وضعیت، بویژه در زمینه سیاست خارجی و تعهدات نظامی، باعث شده متحدان دیرینه واشنگتن به فکر بازنگری در وابستگی خود به ایالات متحده باشند. بی‌ثباتی در سیاست‌های آمریکا ممکن است برخی کشورها را به سمت نزدیکی به چین یا حتی پیگیری برنامه‌های تسلیحات هسته‌ای سوق دهد. در حالی که دیگران ممکن است به دنبال خودکفایی استراتژیک باشند.

یکی از بارزترین نمونه‌های این بی‌اعتمادی در روابط آمریکا با اوکراین مشاهده می‌شود. به گزارش فارن پالیسی، ۲۵ ژوئن، دونالد ترامپ در حاشیه اجلاس ناتو در لاهه با ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین دیدار کرد. زلنسکی در این دیدار از نیاز مرم کشورش به سامانه‌های دفاع موشکی، بویژه پاتریوت و حمایت از تولیدکنندگان تسلیحاتی آمریکایی است. گفت‌وی تأکید کرد اوکراین آماده خرید این تجهیزات و حمایت از تولیدکنندگان تسلیحاتی آمریکایی است. ترامپ نیز در پاسخ، نشانه‌هایی از تمایل به تأمین این سامانه‌ها نشان داد اما تنها چند روز بعد، یکم ژوئیه، پنتاگون اعلام کرد ارسال تمام موشک‌های پاتریوت، موشک‌های ضدهوایی استینگر، گلوله‌های توپخانه و موشک‌های اسپارو به اوکراین متوقف شده است. این تصمیم در حالی که بسیاری از این تسلیحات در انبارهای لهستان آماده‌انتقال به اوکراین بودند، شرکای آمریکا را شوکه کرد.

پادداشت

ایلیا داودی

انتشار نامه‌ای سرگشاده از سوی یوآو گالات، وزیر جنگ پیشین رژیم صهیونیستی خطاب به رهبر معظم انقلاب اسلامی که در ظاهر جامه تهدید و نمایش اقتدار بر تن کرده، در باطن خود بازتابی از استیصال راهبردی، تناقضات درونی عمیق و اعترافی ناخواسته به شکست سیاست‌های چنددهه‌ای رژیم صهیونیستی در قبال جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت است. این یادداشت، نه با هدف پاسخگویی مستقیم به یاهوسرابی‌های ژنرال شکست‌خورده صهیونیست، بلکه برای تبیین و تحلیل ابعاد پنهان این اقدام و رونمایی از جنگ روانی نهفته در آن به رشته تحریر درآمده است.

■ **آنا‌تومی یک عملیات روانی پیچیده**

اولین پرسش راهبردی آن است که چرا یک مقام ارشد سابق امنیت – نظامی که دوران وزارت‌ش با

بزرگ‌ترین شکست‌های اطلاعاتی – عملیاتی تاریخ رژیم صهیونیستی گره خورده، به جای بهره‌گیری از کتال‌های مرسوم دیپلماتیک یا عملیات‌های پنهان، به نامه‌نگاری علنی رو می‌آورد؟ پاسخ در ماهیت این اقدام نهفته است: این نامه یک عملیات روانی چندلایه با ۳ مخاطب اصلی است.

■ **مخاطب اول، افکار عمومی مضطرب صهیونیستی:** گالات، به عنوان سیاستمداری که کارنامه وزارت‌ش با ناکامی‌های بزرگ عجین شده، به دنبال بازسازی تصویر مخدوش خود و ارائه روایتی از «پیروزی» برای مصرف داخلی است. او با بزرگمایی دستاوردهای تاکتیکی ادعایی، تلاش مذبح‌خانه‌ای برای پوشاندن شکست‌های راهبردی بزرگ، از جمله ناتوانی در حذف تهدید وجودی محور مقاومت و غافلگیری‌های بی‌دریی اطلاعاتی را به کار می‌بندد. این نامه در حقیقت تلاشی برای آرام‌سازی جامعه مضطرب و متزلزل صهیونیست و تزریق دوز بالایی از امید واهی به جامعه‌ای است

درباره نامه نمایشی گالات به رهبر انقلاب که سند شکست راهبردی اسرائیل است

استیصال در لفافه تهدید

که پایه‌های امنیتی خود را فرورویخته می‌بیند. ■ **مخاطب دوم، مردم و نخبگان ایران:** لحن نامه و تکرار ادعای نخبان و مضحک «ما همه جا هستیم و همه چیز را می‌دانیم» با هدف القای ناامیدی، ایجاد شکاف میان مردم و حاکمیت و تضعیف روحیه مقاومت طراحی شده است. پیشنهاد گالات مبنی بر اینکه ایران میان «جنگ با رژیمی کوچک» و «رفاه مردم» یکی را انتخاب کند، بازتولید همان گزاره دروغین و منسوخ «هزینه / فایده» است که سال‌هاست به عنوان یک ابزار جنگ شناختی علیه ملت ایران به کار گرفته می‌شود و همواره با بی‌اعتنایی و مقاومت هوشمندانه مردم و مسؤولان مواجه شده است.

■ **مخاطب سوم، جامعه منطقه‌ای و بین‌المللی:** رژیم صهیونیستی در بحبوحه انزوای فزاینده سیاسی و اخلاقی، نیاز مبرمی دارد تا روایت پیروزی قاطع خود را در سطح جهان تثبیت کند. این اقدام با هدف اطمینان‌بخشی به متحدان متزلزل و جلوگیری از

شکل‌گیری ائتلاف‌های جدید علیه این رژیم صورت می‌گیرد. این نامه بخشی از پازل جنگ روایت‌ها در عرصه بین‌المللی است تا از طریق آن، چهارمای قدرتمند و مسلط از خود به نمایش بگذارد. در حالی که در میدان عمل، زمین گیر شده است.

■ **اعتراف ناخواسته به موفقیت دکترین منطقه‌ای ایران** در بستر تاریخی ۴ دهه تقابل راهبردی ایران و رژیم صهیونیستی تحلیل کرد. این تقابل که عمدتاً به صورت غیرمستقیم و در جغرافیای وسیع غرب آسیا جریان داشته، همواره با تلاش رژیم برای مهار نفوذ و عمق استراتژیک جمهوری اسلامی همراه بوده‌است. مهم‌ترین بخش نلمه که به مثابه یک اعتراف تاریخی عمل می‌کند، اشاره صریح گالات به راهبر «حلقه آتش» است. او با توصیف دقیق شبکه مقاومت از حماس و حزب‌الله تا انصارالله و گروه‌های عراقی و سوری و تلاش ناشیانه برای اثبات فروپاشی آن، بزرگ‌ترین گواهی را بر موفقیت

راهبرد جمهوری اسلامی در ایجاد یک شبکه دفاعی پیشرفته و بازدارنده پیرامون سرزمین‌های اشغالی صادر می‌کند. اگر این حلقه قدرتمند، مؤثر و درنداک نبود، نیازی به صرف هزینه‌های هنگفت نظامی، اطلاعاتی و سیاسی برای مقابله با آن و سپس نگارش یک نامه سرگشاده برای اعلام «پیروزی»() بر آن وجود نداشت. این اقدام، اقربا به مرکزیت و موفقیت دکترین منطقه‌ای ایران است که تحت هدایت مستقیم رهبر معظم انقلاب در جریان انقلاب هستند. این اقدام، وزن و اعتبار جایگاه قرار دادن مستقیم عالی‌ترین مقام جمهوری اسلامی، خود اعتراف به این واقعیت کلیدی است که مرکز ثقل، فرماندهی کلان و مغز متفکر محور مقاومت، شخص رهبر انقلاب هستند. این اقدام، وزن و اعتبار جایگاه ایشان در معادلات منطقه‌ای را که صهیونیست‌ها و رسانه‌های‌شان سال‌ها سعی در کتمان یا تضعیف آن داشتند، به رسمیت می‌شناسد.

ادامه در صفحه ۸